

کند بحس تأدیبی از سه ماه تا یکسال و جزای نقدی از دوپست تا دو هزار ریال و یا به یکی از این دو مجازات محکوم میشود مگر اینکه جرم آنها مشمول قوانینی گردد که مجازات سخت تری برای آن معین شده باشد.

و راجع بهمین موضوع بموجب ماده ۷ قانون ۱۳۰۱ - ۲۱ نوامبر و ۳۰ دسامبر ۱۸۴۹ فرانسه وزیر داخله نمی تواند هر خارجی را که در فرانسه سکونت داشته باشد سرحد اعزام نموده و او را از خاک فرانسه اخراج کند.

هر خارجی که پس از خروج از فرانسه مجدداً بدون اجازه وارد خاک این کشور گردد بحس تأدیبی از یکماه تا شش ماه محکوم و پس از انقضای مدت حبس مجدداً سرحد اعزام خواهد گردید.

حکم خروج یک نفر تابع دولت است که حق تابعیت از او سلب و در خاک فرانسه زندگی میکرده از کشور نامبرده صادر میشود چون بحکم اطاعت نمی کند جزاء تعقیب و سه ماه حبس تأدیبی محکوم میشود که پس از انقضای مدت حبس از فرانسه خارج شود محکوم علیه پس از انقضای مدت

حبس سرحد اعزام میشود ولی پس از چند روز باز در خاک فرانسه دیده میشود مجدداً مورد تعقیب قرار گرفته بشود. ماه حبس تأدیبی محکوم میشود که پس از اتمام مجازات از کشور خارج گردد پس از انقضای مدت محکومیت به سرحد اعزام ولی باز از کشور بیرون نمی رود دفعه سوم جزاء تعقیب میشود شعبه ۱ دادگاه جنحه سن در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۴ رسیدگی و چنین رأی میدهد: هر چند متهم بسبب عدم خروج از خاک فرانسه از قانون ورود و اقامت اتباع خارجه تخلف نموده ولی نظرباینکه از تحقیقات مسلم شده که از لحاظ داشتن تابعیت و مسکن و موطن در های سرحدات بروی او کاملاً مسدود و بالتسبیح بترك خاک فرانسه قادر نیست و باین حال محکومیت های متوالی او بحسب جزاینکه مدت های مدید عمر خود را با خرج ملت فرانسه در زندان بگذراند نتیجه دیگری نخواهد داشت و نظر باینکه دستور دق ۳ از ماده ۸ قانون ۱۳ نوامبر در این مورد قابل اجرا نیست و مقرراتی برای این مورد بخصوص وضع نشده متهم باید رها شود.

وحدت

افکار فلسفی راجع به مجازات

و تأثیر آن در سیر تکاملی قوانین جزاء

طوریکه میشود گفت پایه مجازات امروزه (تقریباً بر فاسفه و منطق بنا شده ولی از آنجا که طبیعت حیوانی انسان تغییر نیافته و تغییر ناپذیر است غرائز و احساسات نیز مقام کوچکی جزء عوامل محرك مجازات برای خود حفظ کرده اند

افکار فلسفی راجع به مجازات

در زمان وضع قانون جزای فرانسه (۱۸۱۰ میلادی) علمای حقوق آن کشور از دو سنخ عقیده پیروی می کردند. عده طرفدار فکر (اخلاقی و موافق عدالت بودن مجازات) و عده دیگر پیرو (منظور داشتن نفع جامعه در مجازات) بودند و مجادلات زیادی بین آنان رویداد

تاریخچه مجازات در ایران و در سایر کشورها نشان میدهد که مجازات در قرن های پیش بر يك فلسفه و منطق معینی استوار نبوده حس انتقام گشی و غرائز طبیعی زورگترین محرك اعمال مجازات بوده است (البته حس عدالت در اجرای مجازات کاملاً مفقود نبوده مثلاً در قصاص عدالت اقتضاء میکرده که سدمه بدنی که بمجرم میرسانند از سدمه بدنی وارده به آسیب دیده تجاوز نکند بعلاوه حفاظت جسمانه بوسیله ارباب مردم در علنی کردن مجازات منظور مسی شده است) لیکن در قرون اخیره فلاسفه و علمای حقوق افکار برای بیان کردن علت و دلیل مجازات ابراز داشته اند که در سیر تکاملی قوانین جزاء تأثیر زیادی بخشیده است به

انریکو فری Enrico ferri (۱) و قاضی کارفالو Garofalo

بودند و در فرانسه نیز حامیان زیاد داشت
مشتیون جنایت را بطور قهر و جبر ناشی از دوسلسله
علل میدانند

۱ - عللی که در سرشت مجرم موجود و خمیره ذاتی
اوست این علل مولود ساختمان بدنی و فکری و نتیجه قوانین
طبی وراثت میباشند

۲ - عللی که در محیط و جامعه که مجرم در آن
نشو و نما کرده وجود داشته و بتدریج روح او را مسموم
کرده اند.

رابطه بین این دو سلسله علل وعده جنایات را ثابت
دانسته ادعا میکنند اگر طرز زندگی جامعه تغییر نکند عده
جنایات مرتکبه نیز تغییر نخواهد کرد

معتقدند که در تعیین مجازات درجه مسئولیت و
تقسیم مجرم و مخالفت عمل او با اخلاق را نباید در نظر گرفت
درجه خطرناکی مجرم را باید سنجیده و دفاع جامعه را
تنها مقصود مجازات دانست بعلاوه بهتر اینست وسائل قبلی
را برای جلوگیری از اتفاق افتادن جرائم زیاد کرد بعبارت
دیگر علاج واقعه را قبل از وقوع نمود

گفته شد که جرم در نتیجه دو رشته عوامل اتفاق می
فتاد يك رشته آن در سرشت مجرم وجود دارد و رشته دیگر
در محیطی که مجرم را تربیت کرده است بدین لحاظ مشتیون
جنایت کاران را مورد بررسی قرار داده و بچند نوع پائین
تقسیم کرده اند:

۱ - مجرم ذاتی Le criminel né

این نوع مجرم ذاتاً جنایت کار است هیچ امیدواری
باصلاح او نیست باید از جامعه طرد شود که دیگر مرتکب
جنایات نگردد

طیب ایتالیائی لمبرزو علائم و مشخصات این نوع
جانی را تصور کرده: انسانی کوتاه قد دارای جمجمه کوچک
گونه های درشت فکین بزرگ بازوهای طویل و گوش های
پهن غالباً با دست چپ کار میکند احساس درد و الم

(۱) کتاب انریکو فری در این موضوع

Sociologie criminelle میباشد

۱ - عقیده اخلاقی Théorie morale

پیران این عقیده حق مجازات را نتیجه حس عدالت
و فکر اضافی بشر میدانند اخلاق و عدالت اقتضاء میکند
که عمل زشت کیفر و کار نیک پاداش داشته باشد و هر گناه
کاری بمکافات عمل خود برسد نفس ارتکاب جرم برای استحقاق
مجازات کافی است و دنبال دلائل دیگری برای تعیین و
اجرای مجازات نباید رفت

۲ - عقیده نفع جامعه Theorie utilitaire

طرفداران این عقیده مقصود و منظور غائی مجازات
را نفع جامعه میدانند علت و دلیل مجازات مجرم اینست که
دیگر مرتکب جرم نگردد و سایر اعضاء جامعه از ترس مجازات
پیرامون ارتکاب جرائم نگردند

این عقیده را عالم ایتالیائی بکارنا Beccaria قبول
کرده و عالم انگلیسی بنتام Bentham بآن گرویده است

۳ - مکتب کلاسیک Doctrine classique

استادان این مکتب يك انسان جانی مجرد
Homo criminalis تصور کرده بدین طریق استدلال میکنند
انسان روح دارد روح آزادی عمل تفویض شده اگر کسی
بجای کار نیک مرتکب عمل زشت شد مقصر است و بالتبع
مسئول پس باید بکیفر کار خود برسد

در همین مقدار مجازات علمای این مکتب دو عقیده
سابق را توأم کرده اند هم حس عدالت را از نظر دور نداشته
و هم نفع جامعه را ملحوظ میدارند باید تا حدیکه عدالت
اقتضاء میکند مجازات نمود نه اینکه بنام حفظ نفع جامعه
مجازاتهای بسیار سخت بمجرمین تحمیل کرد بعلاوه تا حدی
که نفع جامعه تأمین گردد نمیتوان بقصد اجرای عدالت مطلق
بمنافع اجتماعی لطمه وارد کرد

۴ - مکتب مشتیون L'ecole positiviste

در ربع آخر قرن ۱۹ میلادی عقیده تازه در ایتالیا
پیدا شد که پیشوایان نامی آن در ایتالیا طیب لمبرزو
Lomdroso (۱) و دونفر عالم حقوق جزاء پروفیسور

(۱) کتاب مشهور لمبرزو انسان جانی

L'homme criminel در سال ۱۸۸۶ بطبع رسید

آنان را متکرر شده اند. مخصوصاً این فکرها که مجازات باید فقط بقصد ارهاب جامعه صورت گیرد طرفداران این عقیده مکتبی با اسم مکتب انتقادی Ecocritique تشکیل دادند.

۶ - عمل و تجربه Pragmarisme

درحینیکه فلاسفه مشغول جدال علمی بودند عده جنایات روز بروز زیادتر میگرددند چنانکه جوامع احتیاج میرم و عاجلی بدفع خود از جنایات کاران داشتند عده بفکر افتادند که بحث های فلسفی را کنار گذاشته عملاً شروع باقدام برای تقلیل عده جرائم بنمایند انچه بین المللی حقوق جزا در سال ۱۸۸۹ میلادی بدین منظور تأسیس گردید پرفسور سالدانا Laldana اسپانیائی عقاید این اتحادیه را نگاشته و بدین طریق مؤسس مکتب جدید شد.

طرفداران این مکتب معتقدند که فکر کشف حقیقت در علت ارتکاب جرائم و مجادله رای اثبات وجود یا عدم آزادی عمل اتلاف وقت است برای کم کردن عده جنایات باید کوشید و موفق شد موفقیت در این راه کشف حقیقت است.

۷ - مردم خواهی Humanisme

این عقیده در ایتالیا پیدا شد و مهمترین نماینده آن پرفسور لانزا Lanza عضو دانشگاه کاتان میباشد این عقیده حقوق جزا را با اخلاق و روان شناسی ربط میدهد علمی را جرم می شمارد که با احساسات اخلاقی مخالفت داشته و وجدان انسان از قبول آن نفرت داشته باشد و مجازات را وسیله تربیت و راهنمایی نفوسی میدانند که در وادی گمراهی افتاده اند.

تأثیر افکار فلسفی در سیر تکاملی قوانین

جزاء فرانسه

افکار فلسفی بالا هر کدام بسهم خود در سیر تکاملی قوانین جزاء ملل تأثیراتی بخشیده اند عقیده (اخلاقی و مطابق عدالت بودن مجازات) و عقیده (منضم نفع جامعه بودن مجازات) هر دو در وضع مواد قانون مجازات عمرمی ۱۸۱۰ مؤثر واقع شده اند لیکن افکار اجتماعی نویسی که

نمی کنند.

طرفداران این عقیده تمام باین صراحت ادعای شناختن مجرم ذاتی را ندارند

ب - مجرم دیوانه Le criminel aliéné

دیوانه را مجازات نمیتوان کرد باید در تیمارستان نگاه داشت

ج - مجرم عادی Le criminel p'habitude

شخصی که ذاتاً مجرم نیست ولی در محیط فاسدی زندگی کرده و با مردم بد معاشرت داشته بطوریکه عادت به ارتکاب جرائم کرده است این سنج مجرم نیز خطرناک است و باید از جامعه اخراج شود

د - مجرم اتفاقی Le criminel D'occasion

شخصی است که بیشامد و اتفاق وادار بارتکاب جرم کرده نه ذاتاً مجرم است نه عادتاً تا ممکن است باید چنین مجرمی را بزندان نفرستاد زیرا که حشر بازندانیان باعث فساد اخلاق او خواهد شد.

ه - Le criminel Passionnel

شخصی است که از فرط خشم و غضب در نتیجه تحریک احساسات شدید مرتکب جرم گردیده مسئولیت جزائی برای چنین شخصی نمیتوان قائل شد فقط خسارات وارده تأسیب دیده را باید جبران کند

۵ - Le Vonyel Electisme

بین مکتب کلاسیک و مکتب مثبتیون جدال سختی روی داد در نتیجه مکتب های جدیدی از ترکیب عقاید دو مکتب قدیم بوجود آمد.

در فرانسه و بلژیک طرفداران مکتب جدید اصل عقیده کلاسیک هارا راجع با آزادی عمل اشخاص در ارتکاب و یا عدم ارتکاب جرائم قبول کرده ولی در ضمن بعضی نتایج انکار مثبتیون مخصوصاً آنچه راجع به تطبیق مجازات بحال مجرم و وسائل احتیاطی برای جلوگیری از وقوع جرائم میباشد نیز پذیرفته اند بدین طریق مکتب کلاسیک جدید Néo Classique جای کلاسیک قدیم را در این

دو کشور میگردد در ایتالیا بعکس اصل عقیده مثبتیون راجع به قهری بودن وقوع جرائم قبول کرده ولی بعضی نتایج فکر

نفوذ کرد بزرگترین اثر آن تطبیق مجازات با حالت مجرم Individualisation میباشد و قانون آمده برای اجرای این منظور وضع شد. قانون ۲۷ مه ۱۸۸۵ تبعید در کلنی Relégation را برای مجرمین عادی که تشدید مجازات های پی در پی در اثر تکرار ارتکاب جرم در خوی آنها تأثیر نکرده و برای جامعه خطر نك گردیده اند مقرر داشته و بدینوسیله آنها را از جامعه طرد میکند.

قانون مشهور برائش Loi Bérenger ۲۶ مارس ۱۸۹۱
بمنفع مجرمینی که برای دفعه اول مرتکب بعضی جرائم شده اند تعلیق مجازات و بعکس برای مجرمینی که مرتکب تکرار جرم گردیده اند مجازات های شدید تری تعیین کرد مکاتب و عقاید دیگر نیز هر کدام کم و بیش اثراتی از خود گذاشته اند
دکتر آشوب

پس از انقلاب فرانسه در میان مردم آن کشور شایع شده بود عقیده نفع اجتماعی و تأمین سلامت عمومی را در درجه اول قرار داده و باسم آن مجازات های شدیدی بر خلاف اصل عدالت در قانون نامبرده داخل کرد.

نتیجه عملی و مستقیم افکار مکتب کلاسیک حذف بعضی مجازات ها و تخفیف بعضی دیگر از سال ۱۸۱۰ بعد میباشد چنانکه دامنه عمل مجازات اعدام محدود شد و موارد تخفیف مجازات که ابتداء بجرم های معدودی تعلق میگرفت تعمیم پیدا کرد بعضی مجازات های وحشیانه و سبع از بین رفت قانون ۳۱ مه ۱۸۵۴ مرگ حقوقی را لغو کرد قانون ۱۳ مه ۱۸۶۳ عده زیادی از جرم ها را که تا آن تاریخ جزء جنایات بودند جنحه محسوب داشت و مجازات خفیف تری برای آنها تعیین کرد.

از سال ۱۸۷۵ میلادی افکار مثبتیون در قوانین جزاء

دنباله شماره پیش

جرم افترا در قانون مجازات

۳- عدم توانائی و ثبات صحت انتساب
مطابق ماده ۲۷۰ « هرگاه اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در محکمه صالحه ثابت نماید از مجازات معاف خواهد بود و الا مفتری است. »
از ماده مذکور استنباط میشود که اولاً عدم توانائی اثبات باید مستقیماً مربوط با اسناد دهنده باشد یعنی با کمال آزادی که او در تقدیم دلیل و تعقیب طرف اسناد و اثبات امر منتسب باو دارد نتواند صحت آن امر را به ثبوت برساند.
ثانیاً - باید صحت امور منتسبه را در محکمه صالحه ثابت نماید.

بنا بر این اگر عدم اثبات اسناد بواسطه موانع قانونی باشد تعقیب اسناد دهنده مجوزی ندارد. چه اگر اسناد دهنده وقوع

ب - تشویش اذهان عمومی یا رسمی یا رسمی عالیه
چنانکه در قسمت (قصد اضرار) هم گفته شد وقتی اسناد دهنده قابل تعقیب است که از اسناد واقعاً اذهان عمومی یا رسمی تشویش افتاده یا ممکن باشد که تشویش بیفتد و تشخیص آن با محاکم مربوطه و از روی عرف است و بطور کلی آنچه را که درباره قصد اضرار گفته شد نسبت باین عنصر جاری است و تذکر این نکته لازم است که تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی در ماده ۲۶۹ مکرر قائم مقام قصد اضرار بغیر است: بدین معنی که هر یک از این سه در موارد مختلفه جای یکدیگر را میگیرند - و وجود یکی از آنها برای محقق جرم کافی است و در حقیقت قصد تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی انواعی از قصد اضرار هستند که بیپایان خاص بر تعریف شده اند.